



بندر سیراف

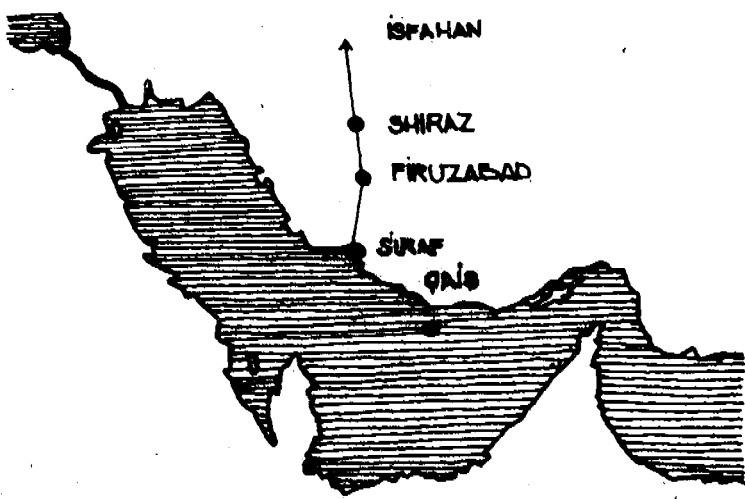
نگهبندی شهر ایرانی در صد اسلام
 رتال جامع علوم انسانی

دکتر نشرین فتیه

شهری با اهمیت و مرکز فعالیت‌های تجاری بود. بندر سیراف سرزمین ایران را به هند، چین، افریقا و دریای سرخ مربوط می‌کرد. در حدود سده یازدهم زلزله شدید شهر را ویران و خالی از سکنه ساخت. در سده چهاردهم از نویرخی نقاط آن مسکون شد و سپس در سده پانزدهم بکلی زندگی شهری از آن رخت

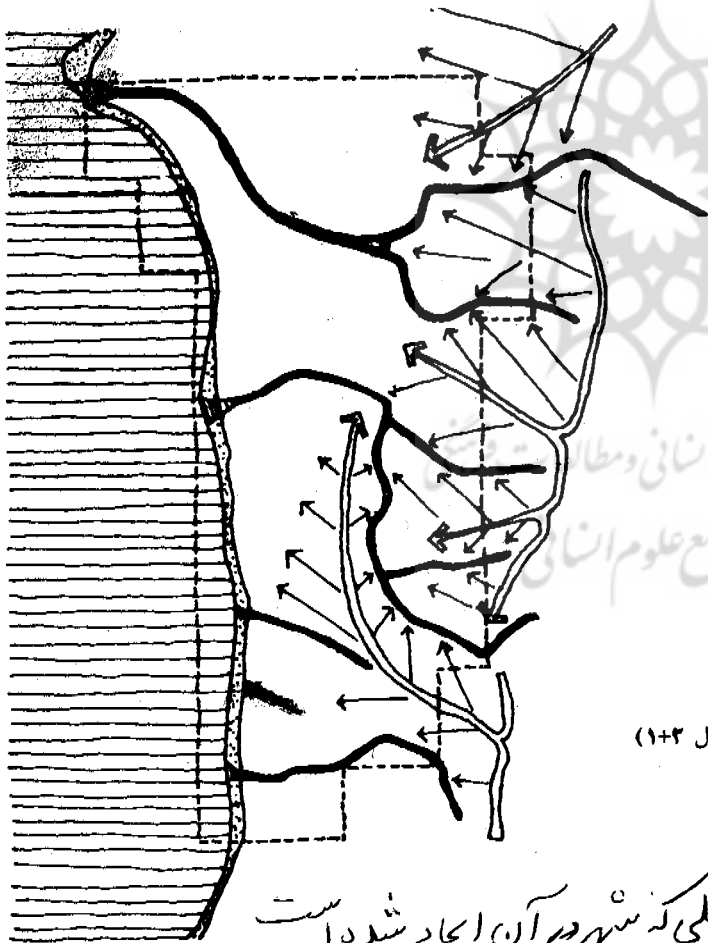
ایران داشته است. باستانشناسان از سال ۱۹۶۶ به حفاری در محل خرابه‌های آن پرداختند و حاصل کار آنان پیدا شدن بقایای مجموعه شهری مهمی است که برای ترسیم شکل شهر ایرانی در قرن‌های هشتم تا دهم میلادی مآخذی بی‌همتای قابل تأمل است.^۱ در سده نهم و دهم میلادی سیراف

شهر سیراف در کنار خلیج فارس قرار دارد و این دریا را با یکی از راه‌های باستانی سرزمین ایران به فیروزآباد و از آنجا به شیراز وصل می‌کند. امروز از بندر سیراف تنها خرابه‌هایی در کنار دهکده‌ای بنام دهکده طاهری باقی مانده است. بدلیل اهمیتی که این شهر در ابتدای شکل گرفتن مدنیت اسلامی در



(شکل ۱+۱)

سیراف در کنار خلیج فارس



(شکل ۱+۲)

محلی که شهر در آن ایجاد شده است

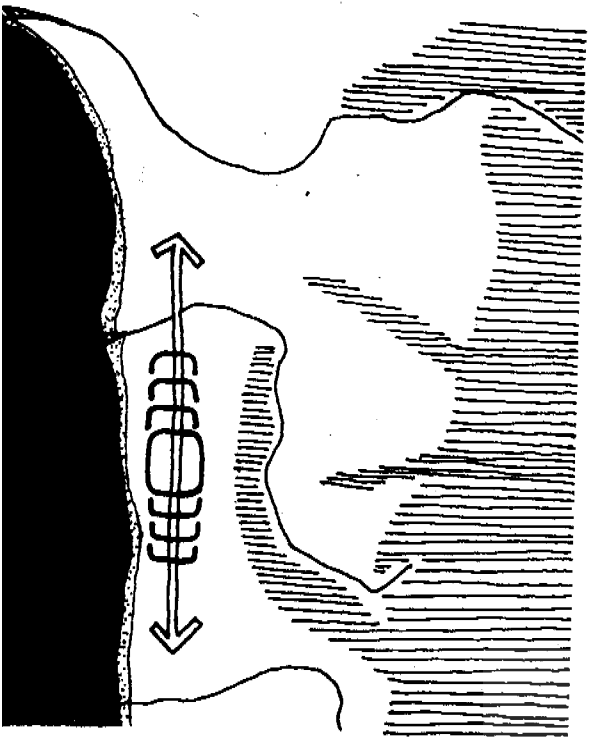
بست . تذکر دوران های تحول تاریخی سیراف در اینجا کاملاً اجمالی است و تنها به این دلیل آورده شده که مراحل تشکیل شهر نشان داده شود . علت اینکه سیراف برای بررسی شهرسازی ایران شایان توجه است اینست که :

نخست) این شهر از لحاظ جغرافیائی منفرد و دارای امکان گسترشی محدود است . از جنوب دریا و از شمال نواز بلند و سراسری کوهها حد طبیعی شهر را معلوم می کند (شکل ۱) . دودیوار شرقی و غربی نیز مرزهای مصنوع آنرا تشکیل داده است . برخلاف سایر شهرهای دیگر ایران که بیشتر در دشتهای گسترده شکل می گرفتند و بدین سبب دیوارهای شهر و محله های آنها بارها تغییر جا داده اند ، سیراف در قالب طبیعی محدود و ثابتی پیدایش و گسترش یافت و این امر کار بررسی ساخت آغاز این شهر را ساده می کند .

دوم) خالی شدن شهر از سکنه در سده یازدهم و فراموش شدن کامل آن در سده پانزدهم موجب می شود که بتوان شکل تمامی شهر و قطعات شهری و شبکه ارتباطی را بدان گونه که در ابتدا نسج گرفته است دریافت کرد . چنان که

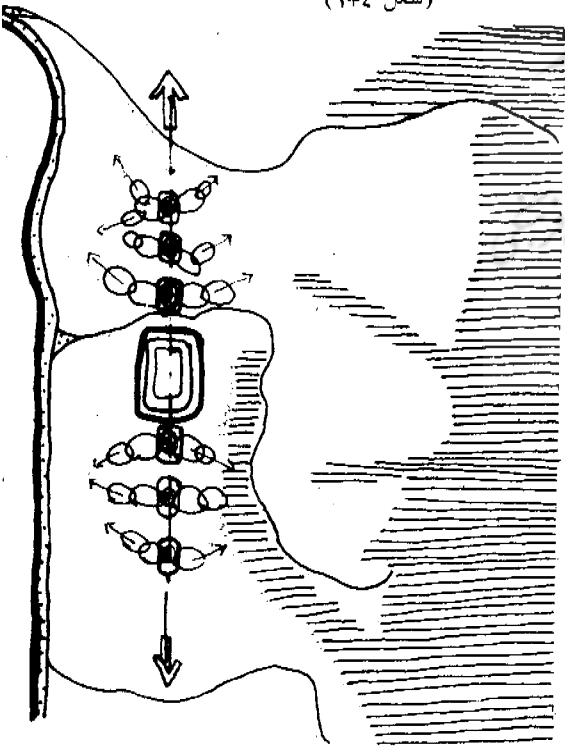
۱ - در سال ۱۹۶۶ برای نخستین بار هیئتی از جانب انستیتوی بریتانیائی مطالعات ایرانشناسی بریاست دیوید وایت هاوز عملیات حفاری را در سیراف آغاز کرد . گزارشات این گروه که در چند نوبت به حفاری در این ناحیه پرداختند در نشریه IRAN وابسته به همین انستیتو در شش گزارش در شماره های ششم تا دوازدهم بچاپ رسیده است . همچنین از دیوید وایت هاوز David Whitehouse نشریه World Archeology, 2, 1970 A Medieval Port on the Persian Gulf و مقاله دیگری از همین نویسنده در نشریه Asassanid Port on the Persian Gulf Antiquity, Vol x LV, dec. 1972 مآخذ بررسی که در اینجا انجام گرفته است بوده اند .

2 - Urban Plots.

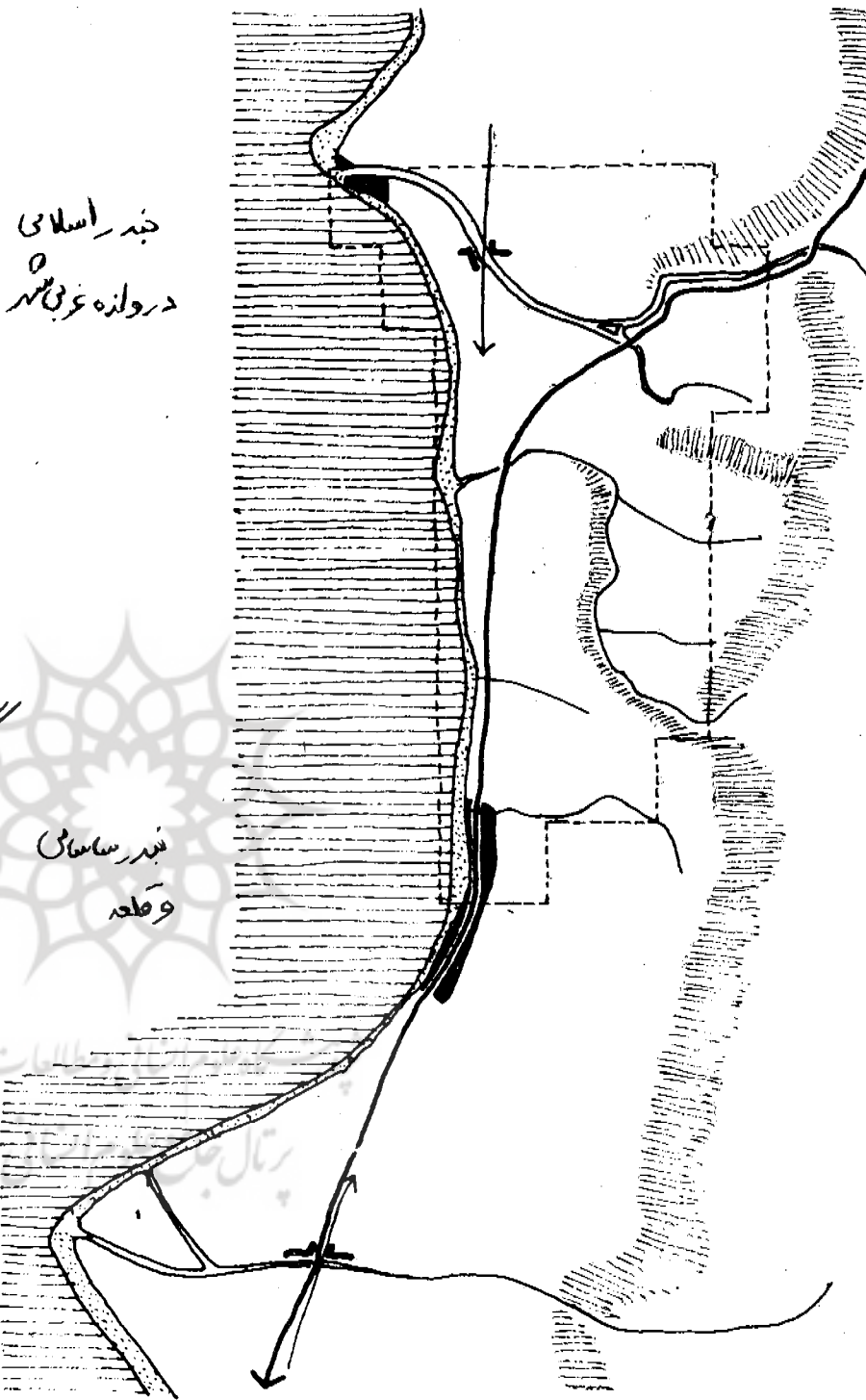


جنبه اسلامی
 دروازه غربی

عوامل طبیعه
 گسترش شهر از یک قطب
 (شکل ۱۰۴)



(شکل ۱۰۵)



بند ساسانی
 و طاقه

دروازه
 شرقی شهر

(شکل ۱۰۳)

است. در ابتدا عناصر مجموعه را از یکدیگر تفکیک می‌کنیم و تک‌تک آن‌ها را از لحاظ ساخت شکلی^۶ و ساخت معنی^۷ شناسائی می‌کنیم. سپس بر مبنای معلومات حاصل ترکیب کلی شهر را از نو می‌سازیم.

شناسائی نمونه‌ها

صورت کلی شهر از تشکل عنصرهای ساده زیر بوجود آمده است:

حجره ساده

حجره ساده عنصر بنیانی شهر است. از چهار دیوار متصل به یکدیگر با یک یا چند گشایش در یک یا چند ضلع بوجود آمده است. ساخت کلیه بناهای شهر متکی بر سه گروه حجره ساده پدید آمده است.

انجام گرفته است. با اینحال می‌توان گفت که عناصر اصلی شهر، نظام کلی شبکه ارتباطی و چند بخش مسکونی که بدون شك با تغییرات کمی در سایر نقاط تکرار می‌شود، تا این مرحله از حفاری روشن شده است: مسجد بزرگ (شکل ۲) و چند مسجد دیگر، بازار و خدماتی که در دو جانب آن قرار دارد (شکل ۳)، مجموعه مسکونی سلطنتی، کاروانسرای و حمام مجاور آن و ساختمانهای حفاظتی و نظامی که مجتمع بندر را تشکیل می‌دهند (شکل ۳+۴)، دیوارها و دروازه‌های شهر، موقعیت و طرز قرار گرفتن محله‌های مسکونی که کاملاً مشخص شده‌اند قابل بررسی و نتیجه‌گیری‌اند (شکل ۴).

برای کسب شناسائی بیشتر از کلیه معلومات موجود درباره شهر سیراف که ضمناً تنها در یک بعد یعنی بصورت نقشه موجوداند این مجموعه شهری را منظومه‌ای از نشانه‌ها تصور می‌کنیم که از واحدهای ساده و مجتمع تشکیل شده

می‌دانیم شیرازه بیشتر شهرهای ایران در دوره صفویه تغییرات زیادی کرد. گشایش شبکه ارتباطی و ساختمان عمارات، نهادها و فضاهای عمومی متمایز از محیطهای مذهبی، مورفولوژی فشرده^۳ پیشین را تغییر داده اقدامات شهری قاجاریه نیز با آن که خصوصیت تمام‌نگری شهرسازی صفوی را نداشت باز تغییراتی را در وجه پیوند بناها با یکدیگر و در نظام ارتباطی موجب شد. خاصه تأکید معماری این دوره بر طرح نمونه‌های تک‌بنا^۴ بکلی با بافت فشرده شهری مغایرت داشت. سیراف شاهد هیچ یک از این دوره‌های شهرسازی نیست و از اینرو نمایانگر خالص دوره مورد نظر است.

حفاری سیراف اکنون در مرحله‌ای نیست که بتوان تمامی عناصر شهری و جزئیات پیوند آنها با یکدیگر را نشان داد. بخشی از ارتباط داخلی شهر نیز بکلی نامعلوم است زیرا حفاری در قسمت‌های مختلف و جدا از یکدیگر

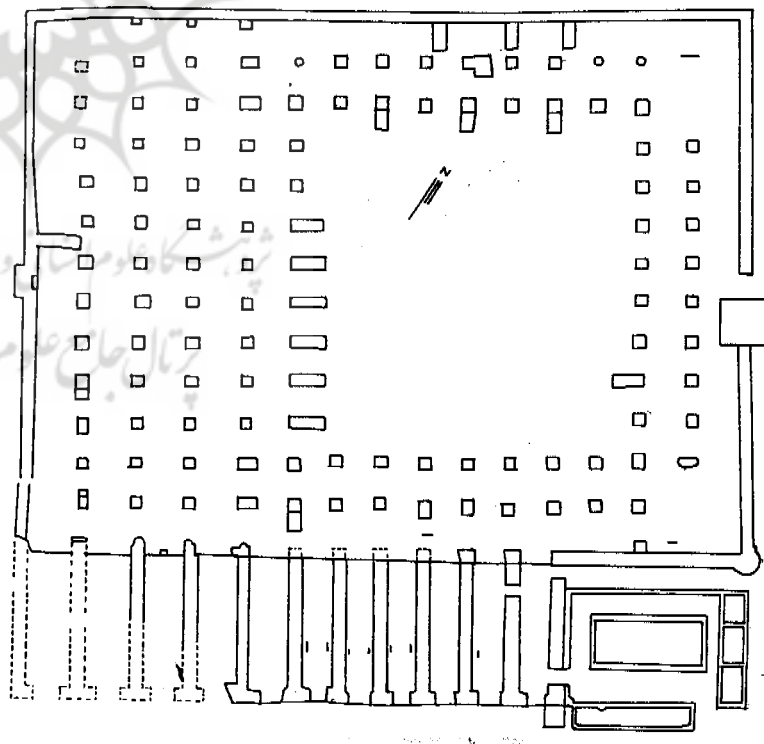
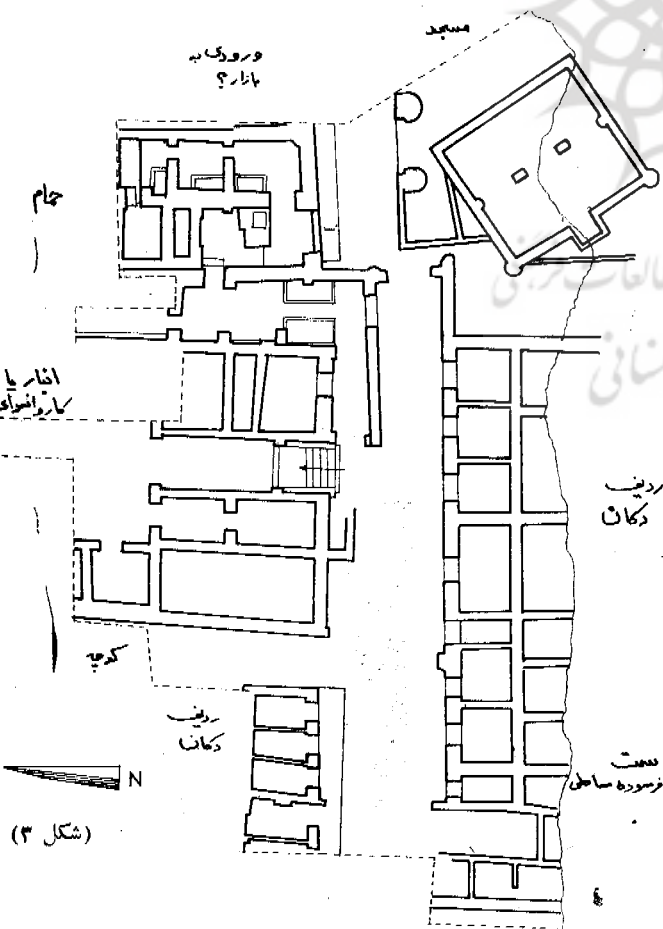
3 - Compact.

4 - Free standing prototypes.

5 - Sign system.

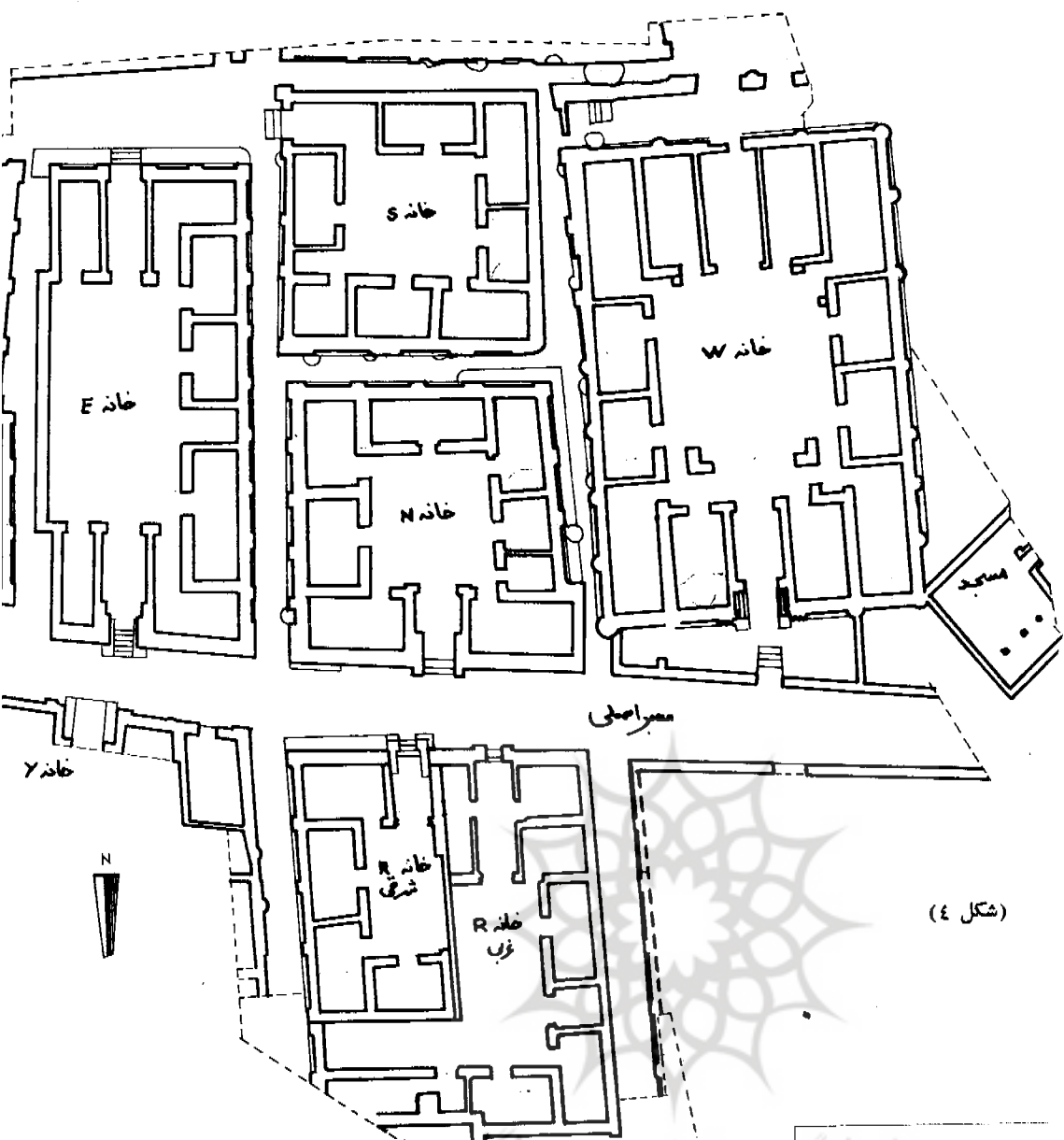
6 - Formal Structure.

7 - Semantic Structure.

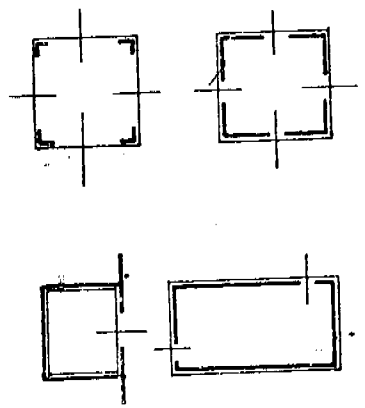


(شکل ۴)

(شکل ۳)

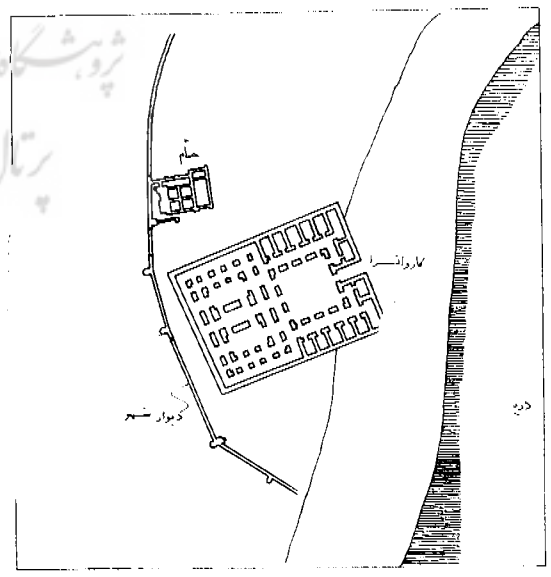


(شکل ۴)

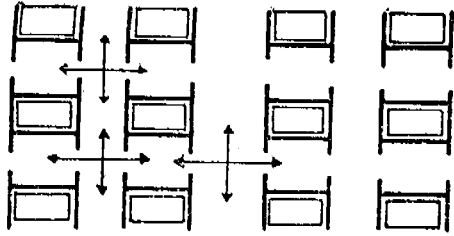


(شکل ۵)

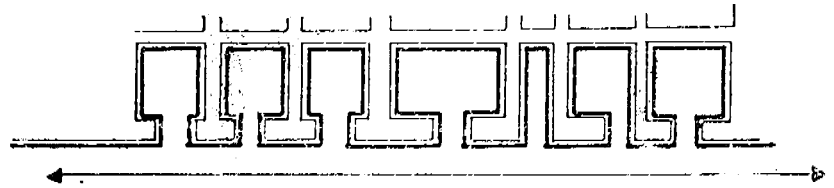
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



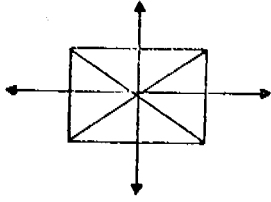
(شکل ۳+۱)



half enclosed cell



linear growth

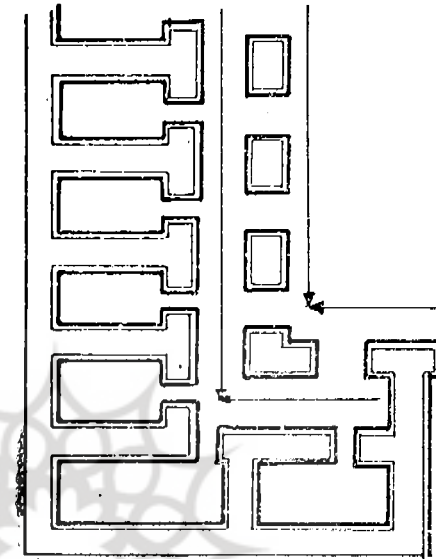


open cell (شکل ۷)

خارج یا شهر را از غیر شهر یا آشنا را از نا آشنا یا منظوم را از هرج و مرج جدا می کند. مسیر آنرا عوامل طبیعی تعیین می کنند و بطوری که حفاری نشان می دهد هر کجا که حد طبیعی، شهر را پناه نداده است دیوار شهر مستحکم تر و با اهمیت تر جلوه کرده است. دروازه های شهر عنصر واسط میان تقابل دوتائی شهر و غیرشهرند (شکل ۸).

۲ - دیوار پر : بنا را از محیط باز بیرون (غیربنا) تمیز می دهد. مطلق و جدائی انگیز است. عمل بریدن فضای بیرون از محیط داخل بدون شک مربوط به مورد استفاده آن نیست. در حمام و منزل، مسجد و کاخ، در همه جا محیط بیرون (کوچه، خیابان...) کنار گذاشته و غریبه است. واسطه های میان این تقابل دوتائی محدود و بسیار خلاصه اند. بطوریکه در گزارش حفاری قید شده است در هیچیک از دیوارهای بیرونی بناها نشانه ای از وجود پنجره نیست. ورودی نیز همانطور که در نقشه ساختمانها دیده می شود رو بداخل بناست. با نظری به دیگر شهرهای خودروی^۸ اسلامی در این منطقه می بینیم که در سیمای کلی شهر فضاهای بیرون تنها بصورت نتیجه های فضاهای درون هستند و خود به شکل خاصی اشارت نمی کند^۹.

نخستین نتیجه گیری از این بررسی را می توان بدین گونه عنوان کرد که



(شکل ۶)

concentric growth

۱ - حجره بسته : دارای گشایشی واحد بنام در است و شکلی چهارگوش دارد. این گونه حجره ها دورادور یک محوطه مرکزی (حیاط) گرد آمده اند. هر گاه مورد استفاده بنا خصوصی و خودمانی باشد مانند خانه یا حمام، طرح آن شاهد حجره های بسته است (شکل ۵).

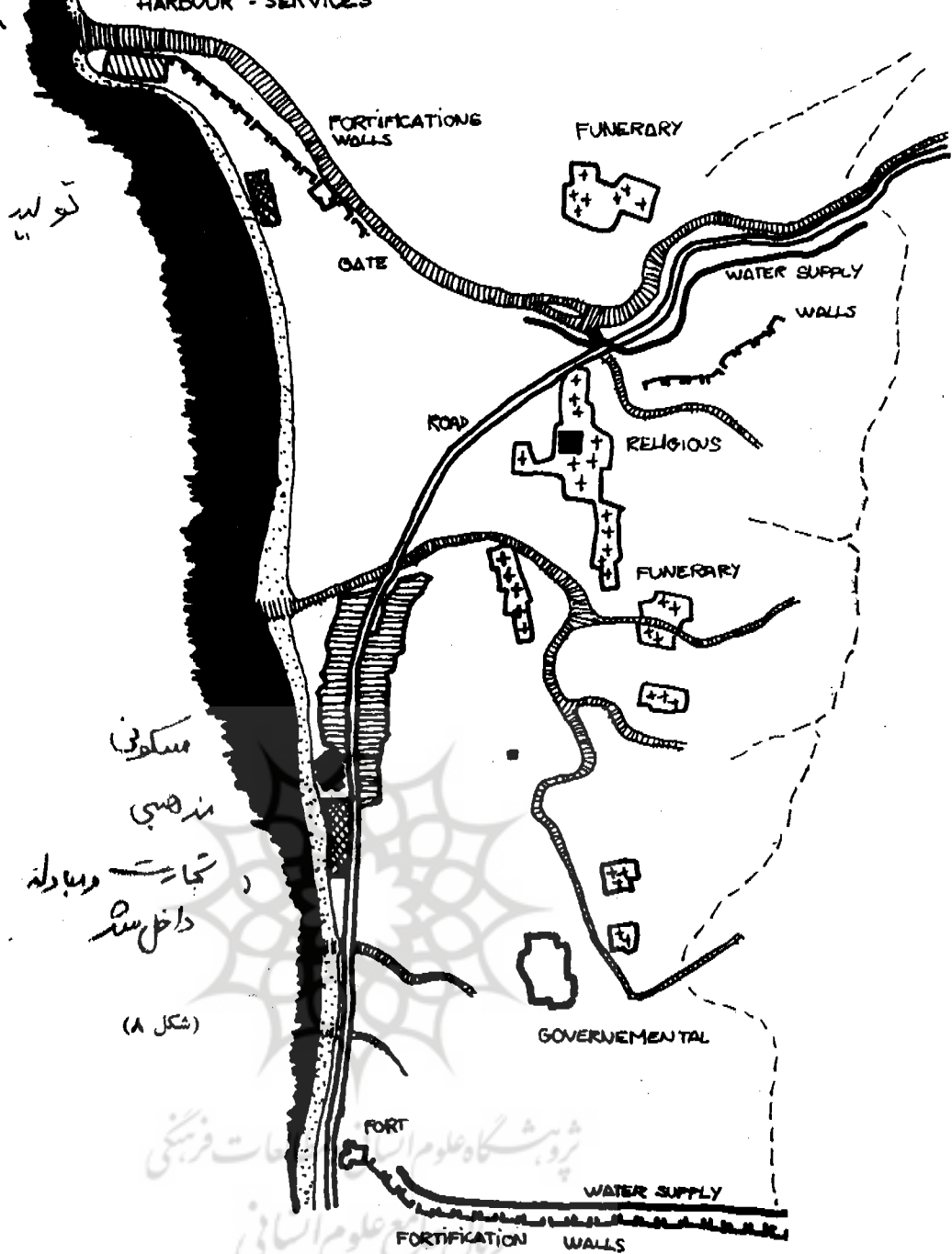
۲ - حجره نیم بسته : دارای سه جانب باز و شکلی چارگوش است. این عنصر مجموعه های خطی را پدید می آورد و هنگامی بروز می کند که مورد استفاده بنا خصوصی و در عین حال در معرض دسترسی عموم است. مانند ردیف دکانهای بازار یا ردیف حجره ها در کاروانسرای (در این مورد شکل تجمع حجره ها متمرکز

است) (شکل ۶).
 ۳ - حجره باز : فضائی حاصل از ترکیب ستونها با یکدیگر در یک شبکه چارگوش است. این گونه شبکه بصورت متمرکز و گاهی خطی پدید می آید و استفاده از آن در بناهای عمومی مانند مسجد بچشم می خورد (شکل ۷).
 دیوار حجره ها و مسیرها از دیوار بوجود آمده اند. دیوار محیط را به درون و به بیرون یا به خودمانی و به عمومی تقسیم می کند. همچنین سمتها، ارتباطها و نقطه های عطف را متذکر می شود. انواع دیوار را می توان به ترتیب زیر تفکیک کرد:

۱ - دیوار شهر : داخل را از

۱ - حجره بسته : دارای گشایشی واحد بنام در است و شکلی چهارگوش دارد. این گونه حجره ها دورادور یک محوطه مرکزی (حیاط) گرد آمده اند. هر گاه مورد استفاده بنا خصوصی و خودمانی باشد مانند خانه یا حمام، طرح آن شاهد حجره های بسته است (شکل ۵).

۲ - حجره نیم بسته : دارای سه جانب باز و شکلی چارگوش است. این عنصر مجموعه های خطی را پدید می آورد و هنگامی بروز می کند که مورد استفاده بنا خصوصی و در عین حال در معرض دسترسی عموم است. مانند ردیف دکانهای بازار یا ردیف حجره ها در کاروانسرای (در این مورد شکل تجمع حجره ها متمرکز



(شکل ۸)

شهری وساختن در اینجا و آنجا و هرجا بوده است .

۹ - بسیاری از شهرهای پیش از اسلام یعنی آن دسته از شهرهایی که دارای فعالیت‌های گوناگون بوده‌اند و تنها به اقامتگاه سلطنتی خلاصه نمی‌شده‌اند همین وجه را بازگو می‌کنند. برای دیدن نمونه‌هایی از این گونه شهرها به کتاب **Cities and Planning in the Ancient Near East** Paul Lampton بقم رجوع کنید .

۸ - **Villes Spontanées** این اصطلاح را شهر شناسان فرانسوی مانند **Jean Sauvaget** که اولین کسانی بودند که به پدیده‌های شهری اسلامی پرداختند. بعقیده آنان شهرهای اسلامی دو گروهند یکی همین شهرهای خودرو که از گذشته باقی مانده بود و دیگر شهرهای ایجاد شده بدست مسلمانان **Villes Créées** مانند بغداد که در ابتدا با نقشه هندسی منظم و ساده طرح شد . اما سواژه معتقد است که بهرحال در هر دو مورد تمایل مسلمانان به برهم زدن منظومه

شهر اسلامی اصولاً با فکر و تصویریک کولونی یعنی بهمان ترتیب که شهرهای یونانی و رومی بوجود آمده‌اند پدید نیامده است . پیدایش آن تدریجی بوده و نظم آن نیز حاصل تشکل یکپایک مکان‌ها از درون و بسمت مرکز همان مکان بوده است و بندرت می‌توان شهرهایی را یافت که در آنها محیط‌های بیرون از مکان‌های منظوم بوجود آمده‌اند.

روشن است که در اینجا اشاره به دوران اولیه شکل شهری پس از اسلام است. ۳ - دیوار تقسیم: دو محیط مشابه را که مورد استفاده مشابه نیز دارند از یکدیگر جدا می‌کند، مانند دیوار تقسیم حجره‌ها در خانه و یا دیوار تقسیم واقع بین دکانها در بازار. گاه دیوار تقسیم محیط سرپوشیده‌ای را از محیط روباز مشابه جدا می‌کند.

ورودی و در

ورودی و در عمل مهمی را در ایجاد نوعی سلسله مراتب شهری انجام می‌دهند. در نقشه خانه‌ها در شکل ۴ دیده می‌شود که اجزاء گوناگون مانند پله یا صحنه دیوار یکی بعد از دیگری و با فضای میانی مستقلی (هستی) ورودی را بصورت مکانی درآورده که منظور آن دسترسی یافتن به درون بناست و در عین حال سد راه میان بیرون و درون می‌شود. چنانچه پیش از این دیدیم فضاهای بیرون شهر از شکل معینی برخوردار نیستند و نشانه‌هایی که حاوی پیامی شهری باشند در آنها بسیار کم است. در حقیقت تنها نشانه‌ای که اثری از داخل بنا را در بیرون آن منعکس می‌کند همان ورودی است. به این ترتیب باید گفت ورودی تنها عاملی است که بوسیله آن دیوار پراز دیوار کور به نما تبدیل شده است.

حیاط مرکزی

از تجمع حجره‌ها بدور یکدیگر و بمنظور تشکیل یک بنا حیاط مرکزی حاصل می‌آید. همانطور که نقشه سیراف نشان می‌دهد، تقریباً همه بناهای شهری با همین قوانین ترکیبی بوجود آمده‌اند. بجز ردیف دکانها در بازار و مسجدهای خصوصی مجاورخانه‌ها که در حقیقت تک حجره محسوب می‌شوند و اما مزایای که در سمت شمالی شهر واقع شده و ساختمان آن را بدوره‌های بعدی در قرن چهاردهم یا پانزدهم نسبت می‌دهند، سایر بناها عبارتند از گروه حجره‌هایی که دور حیاط مرکزی گرد آمده‌اند.

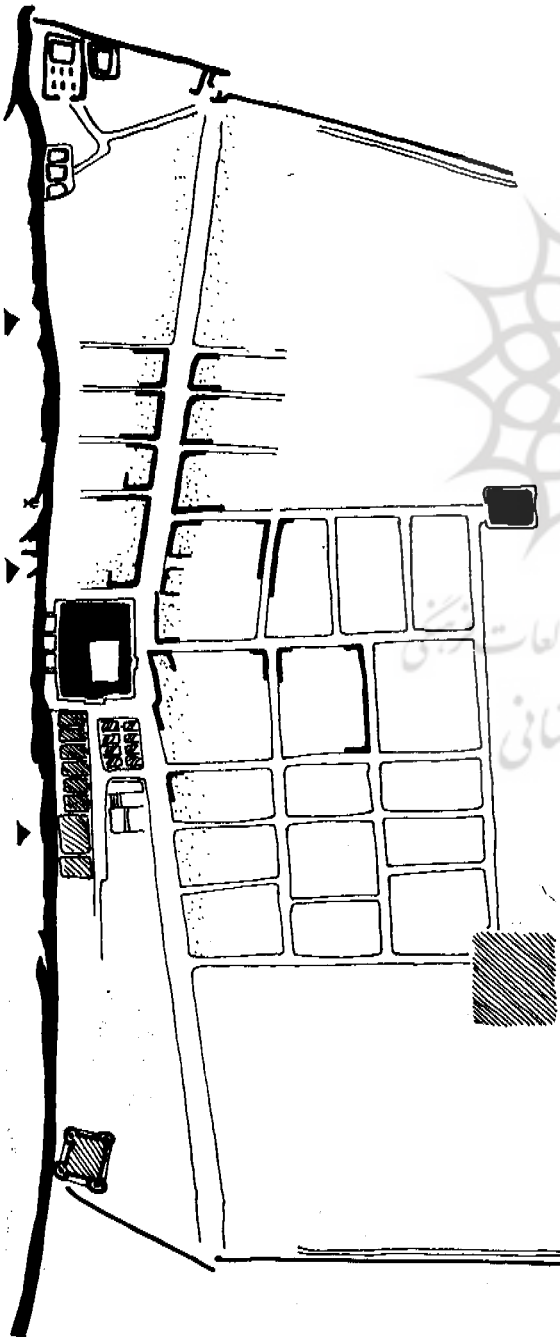
در اینجا می‌توان گفت که میان تیپولوژی ساختمانی^{۱۰} با حیاط مرکزی و مورفولوژی^{۱۱} شهری که حاصل مجاورت (چسبندگی)^{۱۲} بناها با یکدیگر است رابطه‌ای بسیار مهم وجود دارد و شاید با تعمق بیشتر در این نکته بتوان جنبه‌های ترکیبی^{۱۳} ساخت اینگونه شهرها را روشن کرد.

در مورد حیاط مرکزی نیز در نقشه سیراف به دو گونه از بناها برمی‌خوریم که عبارتند از: (۱) حیاط مرکزی خصوصی که

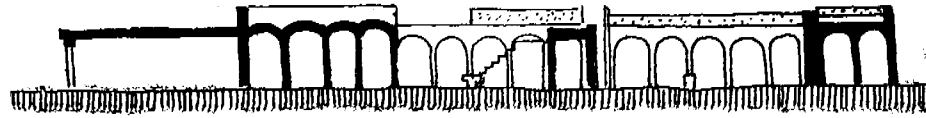
حجره‌های دور آن بسته‌اند. (۲) حیاط مرکزی عمومی که ستونها دورادور آن قرار گرفته‌اند و حجره‌های اطراف آن بازند، مانند حیاط مسجد بزرگ و حیاط کاروانسرا.

کوچه

بطوری که در واحدهای حفاری شده در سیراف می‌توان مشاهده کرد، شبکه کوچه‌ها و معابر دارای شکلی منظم و هندسی نیست بلکه از لحاظ ترکیب حاصل کنار هم قرار گرفتن واحدهای ساختمانی است. با این حال نباید چنین



(شکل ۹)



(شکل ۱۰)

فضای مسجد از اهرم تکراری تشکیل شده: حجره‌های باز (شیستان) محراب، منبر، مناره به بافت یکسان تنوع می‌دهند.

سادگی عمل مذهبی و تشریفات آن از بافت یکسان مسجد جمعه مشهود است. با مقایسه این نمونه اولیه مسجد با نمونه‌های تکامل یافته‌تر قرن دوازدهم می‌توان بازتاب پیدایش سلسله مراتب مذهبی و تنوع مراسم آنرا در معماری مشاهده کرد.

بهمین ترتیب با بررسی نقشه مسجد جمعه سیراف می‌بینیم که چهار دیوار منظم بنای آنرا از بیرون جدا کرده‌اند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که نمونه آغازین مسجد جمعه بنائی تام^{۱۶} بوده است یا بگفته دیگر طرح آن یکباره ریخته شده است. اما بطوریکه در نمونه‌های کامل مسجد جمعه ملاحظه می‌شود بر اثر تکامل تدریجی و گسترش شهری این گونه بنا، حد جدائی آن از شهر مبهم گشته است. از میان رفتن تدریجی مرزهای آشکار مسجد جمعه با محیط مجاور آن گاه موجب آن شده است که محققان با اشتباه ساخت کل مسجد جمعه را نیز اتفاقی و بطور خرد خرد^{۱۷} بدانند.

۳ - خانه

با بررسی نقشه گروه خانه‌ها دیده می‌شود که شکل اولیه خانه حاصل سه عامل است: دیوار بیرونی، حیاط مرکزی و حجره‌های دورادور آن. عدم تقارن این سه نسبت یکدیگر در بیشتر خانه‌ها را باید تنها بدلیل موقعیت ورودی خانه نسبت به سطح آن دانست. به گفته دیگر

- 10 - Building typology.
- 11 - Urban morphology.
- 12 - Contiguity.
- 13 - Syntagmatic.
- 14 - A priori.
- 15 - David White House, Excavations in Siraf Sixth Interim Report, P. 18. IRAN XII.
- 16 - Integral.
- 17 - Fragmentary.

بوده است (شکل ۳ و ۴). تعداد این گونه مسجد در سیراف زیاد است و گفته می‌شود که پس از مدتی نیز مورد استفاده مذهبی آن از میان رفته است^{۱۵}.

اگر به مسجد‌های کوچک و انواع بقعه‌ها یا امامزاده‌هایی که در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی در محله‌های مسکونی و یا بازارهای صنفی شهرهای ایران ساخته شده توجه کنیم، می‌بینیم که چه از لحاظ نحوه استفاده از آنها و چه از لحاظ تحول تیپولوژی معماری آنها، در حقیقت شکل تکامل یافته همین نمونه مسجد تک حجره‌ای هستند.

ب) مسجد جمعه از گردهم‌آئی حجره‌های ساده دورادور حیاط مرکزی بوجود آمده و بشکل چهارگوش است (شکل ۲).

فضاهای حاصل از این گونه گردهم‌آئی عبارتند از حجره‌هایی باز و با اندازه‌های تقریباً مساوی که با آهنگی واحد در چهارسوی حیاط تکرار شده‌اند. ورودی‌های مسجد وضعیت خاصی را نسبت به محورها یا سمت‌های اصلی نشان نمی‌دهند. شکل کلی مسجد و حیاط مرکزی آن مربع است. مسجد سیراف ساده‌ترین نمونه مسجد جمعه است از محورهای اصلی و فرعی و چهار ایوان جانبی در آن اثری نیست و بهمین دلیل نیز گرچه حیاط مرکزی در میان حجره‌ها قرار گرفته است آن خاصیت مرکزیت موجود در نمونه‌های تکامل یافته مسجد جمعه را ندارد. عنصرهای تفکیک کننده و سمت دهنده در آن محدود به محراب و منبر و منار است (شکل ۱۰).

تصور کرد که نبودن طرحی متقدم^{۱۴} برای گذرگاهها دلیل بر بی نظمی آنهاست. چنانچه پیش از این آمدنوعی سلسله مراتب در فضاهای عمومی بیرون وجود دارد که خود مسیرها، سمت‌ها، نقاط گردهم‌آئی یا نقاط پراکندگی را مجزا و مشخص می‌کند.

به هر حال از آنجا که واحدهای ساختمانی شهر یعنی خانه‌ها و سایر بناها به شکل هندسی معلوم و ساده‌ای هستند ناگزیر از ترکیب آن‌ها نیز شکل‌های منتجه محدود و معینی حاصل خواهد شد (شکل ۹).

نشکل عنصرهای ساده

اکنون با شناخت واحدهای اصلی ساخت شهر می‌توان نحوه ترکیب آنها را که در تیپولوژی‌های گوناگون ساختمانی مشهود است به بررسی گذارد.

۱ - مسجد

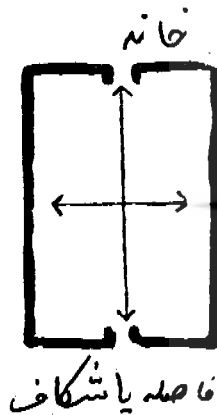
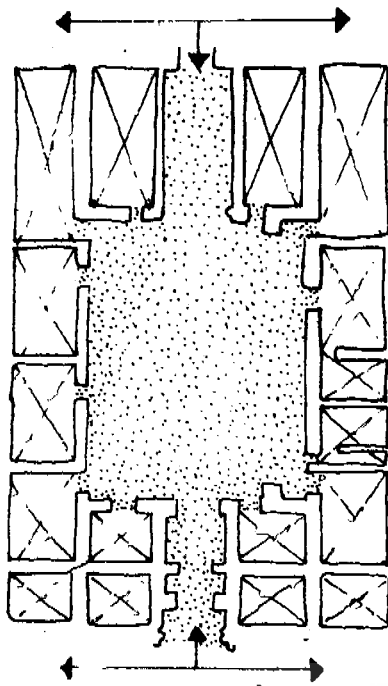
کلیه مسجد‌های سیراف بر اساس دو نمونه اصلی طرح شده‌اند. بطوریکه خواهیم دید تحول و گسترش بعدی نمونه‌های مختلف مسجد نیز بر همین نمونه‌های اولیه متکی است.

الف) مسجد تک حجره‌ای با فضای واحد مرکزی. این گونه مسجد بصورت متصل به یکی از خانه‌ها و یا در کنار مجتمعی در بازار ساخته شده است. پیرو همان تفکیک محیط‌های شهر به فضاهای خصوصی یا خودمانی و عمومی یا رسمی که پیش از این انجام گرفت، باید گفت که این نمونه مسجد دارای مورد استفاده خصوصی و برای گروه معینی

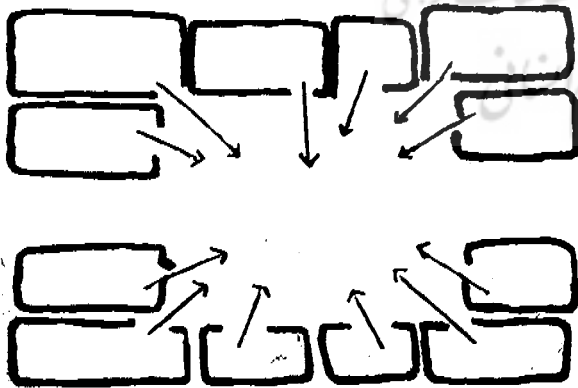
باید پذیرفت که يك نمونه غائی^{۱۸} و متقدم، با شکل هندسی منظم و متقارن، در ذهن طراح همواره وجود داشته است. تصویر این نمونه اولیه مطابق است با همان استعاره‌ای^{۱۹} که بعدها بروشنی در طرح مثال^{۲۰} بسیاری از محیط‌های معماری ایرانی مانند باغ، کاروانسرا و نیز خانه قالب ریخته شده است (شکل ۱۱).

اما بطوریکه در نقشه‌ها دیده می‌شود تنها خانه W بصورت کامل طرح شده و سایر خانه‌ها به ترتیب‌های متفاوتی با این نمونه کامل اختلاف دارند. اگر در نحوه ترکیب گروه خانه‌ها با یکدیگر و با کوچه‌ها دقت کنیم، ملاحظه می‌شود که منفاک شدن سازنده از تصویر مجرد اصلی به موقعیت خانه در بافت شهر بستگی دارد. برگشتگی از نمونه اصلی نه تنها به شکل قطعات زمین شهری بلکه هم‌چنین به موقعیت خانه نسبت به فضاهای عمومی وابسته است. در این گروه خانه‌ها بخوبی می‌توان دریافت که هم محل ورودی و هم موقعیت آن نسبت به اصلی بودن یا فرعی بودن کوچه مقابل آن در تعیین شکل خانه مؤثر است. خانه W نوع کامل مجرد را نشان می‌دهد با شکل هندسی منظم و متقارن و ورودی واقع در راسته محور اصلی ساختمان فضای باقی مانده میان خانه W و کوچه بروشنی نشانه آنست که اولاً نمونه‌ای برای خانه در ذهن سازنده وجود دارد و ثانیاً کوشش شده است این شکل حفظ شود. در خانه‌های N و E نیز می‌بینیم که با وجود کمبود زمین برای ساختن طرح کامل خانه، باز ورودی در راسته محوری فرضی قرار گرفته و تنها قسمتی از نمونه کامل ساخته شده است.

نکته دیگر طرز قرار گرفتن یکایک خانه‌ها در بافت شهری است. در اینجا مشاهده می‌شود که هر خانه بصورت يك



فاصله یا شکاف



حیات مرکزی

(شکل ۱۱)

بنا و با چهار کوچه در چهار جانب آن بوجود آمده است. چنین وضعیتی بکلی با بافت شهرهائی که پس از سیراف بنا شده‌اند متفاوت است، چه در آنها خانه‌ها مجاور و چسبیده بیکدیگرند، قطعات زمین بزرگ و بی‌شکل‌اند و کوچه‌های بلند دورادور آنها را گرفته‌اند که به بن‌بست‌ها منتهی می‌شوند. گرچه با شناخت کنونی از قوانین شکل‌بندی شهر ایرانی نمی‌توان دلایل این تغییر را روشن کرد، اما با این حال می‌توان قبول کرد که در ابتدا شهر در قالب ساده‌تری بنیان‌گذاری شده و سپس با گذشت زمان این سادگی و وضوح در ساخت از بین رفته و جای خود را به نظام شهری پیچیده‌تری داده است.

۳ - ردیف دکان‌ها

بطوریکه دیده شده حجره‌ای با سه سمت بسته و یک سمت نیمه بسته یا کاملاً باز عنصر تشکیل‌دهنده و پایدار ساخت شهر است. در نمونه‌های بالا تسلسل این حجره‌ها را بدور یک حیاط مرکزی دیدیم (شکل ۳). وجه دیگر گردهم‌آئی حجره‌ها بصورت خطی است. در این حالت حجره‌ها در دوسوی کوچه یا مسیر واقع شده‌اند و حکایت از پیوستگی رابطه میان دکان و معبر می‌کنند. در نقشه بازار سیراف می‌بینیم که میان دکان و بازار دیواری قرار دارد که احتمالاً بوسیله دری این دورا بیکدیگر مربوط می‌ساخته است. چنان که می‌دانیم در بازارهای بعدی این دیوار بکلی از بین رفته است و در دکان سراسری است. وجود دیوار میانی در بازار سیراف را شاید بتوان به این علت دانست که در نمونه ابتدائی، بازار هنوز سرپوشیده نبوده است. اما باید یادآور شد که کلیه نهادهای بازار مانند حمام، کاروانسرا و مسجد، از همان ابتدای پیدایش مجموعه بازار برپا گشته‌اند. وجود این نهادها نمودگار

پیوند شکل شهر ایرانی با مدنیت اسلامی از بدو استوار شدن آن در این سرزمین است.

معنای محیط شهری عمومی

کلیه محیط‌های ساخته شده در سیراف، چه آن‌ها که انبوه بافت عادی شهر را بوجود آورده‌اند و چه آن‌ها که تک و استثنائی‌اند، رو به درون دارند و کنایشان به بیرون مختصر و کم‌نشانه است. اگر در پی یافتن شباهت‌ها میان شهر قرون وسطائی اروپائی و سیراف برآئیم به این نتیجه خواهیم رسید که در این شهر بین بنا و فضای عمومی مجاورش پیوند بصری وجود ندارد. رابطه میان خانه و کوچه در شهر اروپائی مستقیم و مانوس است. در عین حال که خانه کنایه از خصوصیت و بستگی می‌کند، شکل و وضعیت داخل خود را نیز در بیرون بروز می‌دهد. در چنین حالتی ناگزیر عنصر مستقلی میان درون و بیرون با تأثیری معمارانه باید خودنمایی کند که به آن نما نام نهاده‌اند. وجود نشانه‌هایی چون در، پنجره، تزئینات و جزئیات ساختمانی و تزئینی ما را بصورت پرده‌ای درآورده‌اند که مقصود اجتماعی و فرهنگی ساکنان خانه بر آن نقش بسته است. در شهر اروپائی بنا و کوچه مجاور آن از یکدیگر جدائی ناپذیرند. دریافت معنای یکی بدون دریافت معنای آن دیگری ممکن نیست. در سیراف، به عکس، عنصر میانی حالت پرده‌ای را که بازتاب وضعیت داخل خانه باشد ندارد بلکه صرفاً دیواری است که دو واحد فضائی مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند. نشانه‌های واقع بر این دیوار مختصر و غیرمستقیم‌اند و لازمه درک آنها شناخت خاص و محلی از فرهنگ و اوضاع اجتماعی آن دیار است.

به این ترتیب تمایزهای اجتماعی در چنین شهری از دیدگاه بیگانه پوشیده

می‌ماند. پس شکل‌بندی آن نمودگار تمایل جامعه به پوشاندن تفاوت‌های عمومی و تبدیل آن‌ها به اموری خصوصی و خانوادگی است.

اما وجه مشترك بافت شهر سیراف با بافت شهر اروپائی قرون وسطائی را باید در وابستگی شکل ساختمان به قطعه‌های زمین دانست که همانطور که از پیش دیدیم گروهی حاصل مسیرهای اصلی و گروهی دیگر شکل دهنده مسیرهای فرعی‌اند.

به همین ترتیب تک‌بنائی چون مسجد جمعه نیز از چهار طرف محصور است و هیچ‌یک از دیوارهای حفاری شده آن حکایت از وجود پنجره و یا جزئیات گوناگون ساختمانی نمی‌کند. بافت شهری دور آن نیز نامشخص است. در نمونه‌های تکامل یافته بعدی حد و مرز مسجد جمعه با محیط مجاور آن مبهم‌تر نیز گشته‌است. با اینهمه مسجد جمعه در بافت شهر گم نیست. در نقشه سیراف نشانه‌هایی می‌توان یافت مبنی بر آنکه سمت‌های کلی در شکل‌بندی شهر عابر را بسوی مکان‌های عطف جلب می‌کنند و دیگر آن که مکانهای عطف بنوبه خود زائیده شبکه ارتباطی (کوچه‌ها و فضاهای رابط) اند.

اگر به نحوه قرار گرفتن بناهای مذهبی در بافت شهر توجه کنیم می‌بینیم که سمت آن‌ها بسوی قبله‌است در حالی که سایر بناها شمالی جنوبی‌اند. این اختلاف در ساخت ترکیبی^{۲۱}، موجب بوجود آوردن تمایز بصری قابل ملاحظه‌ای میان بناهای مذهبی و بناهای دنیوی است. راه حل‌های معمارانه‌ای که برای این پیچش^{۲۲} در معماری ایرانی طرح شده‌است

18 - Ideal type.

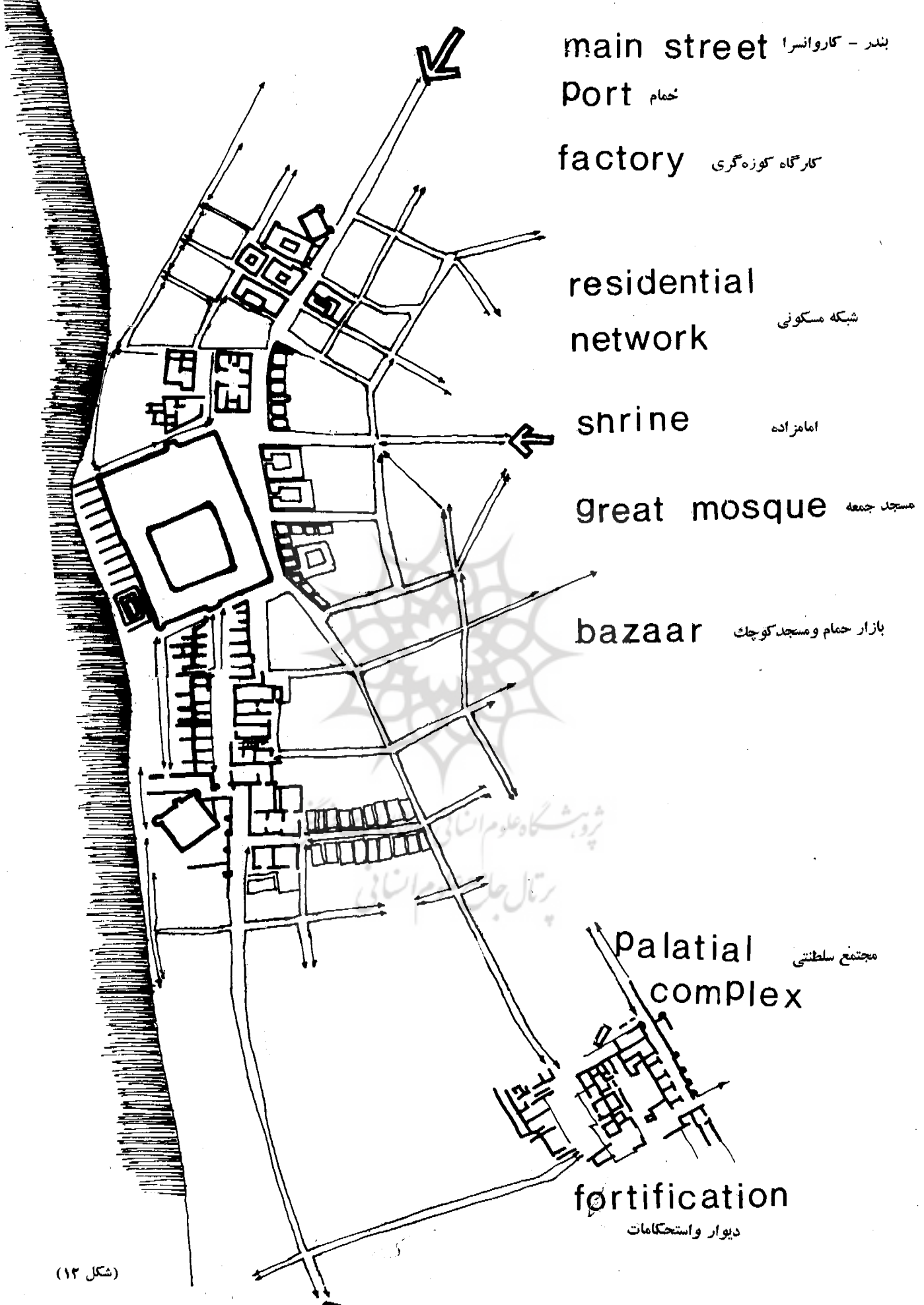
19 - Metaphore.

20 - Ideogram.

E, N

21 - Syntagmatic Structure.

22 - Rotation.



main street بندر - کاروانسرا

Port حمام

factory کارگاه کوزه گری

residential network شبکه مسکونی

shrine امامزاده

great mosque مسجد جمعه

bazaar بازار حمام و مسجد کوچک

palatial complex مجتمع سلطنتی

fortification دیوار و استحکامات

در ابتدا بسیار خلاصه بود و منحصر می‌شد به نمایان کردن وجوه ساختمانی بنا. چنانچه، در نمونه مسجد کوچک بازار یا مسجد کوچک متصل به خانه W مشاهده می‌شود پیچش مزبور دارای هیچگونه تظاهر معماری مستقلی نیست. با تحول معماری، مذهبی در قرن‌های پس از آن این پیچش که در ابتدا به کار مقصود ساده‌ای می‌خورد بصورت ورودی‌های به حد اعلی پرشکوه جلوه گرفتند و یکی از مهمترین نشانه‌های ساخت مجازی^{۴۴} شهر اسلامی را پدید آورد.

نتایجی که از حفاری سیراف بدست آمده حاکی از آنست که فضای عمومی باز و بزرگی مانند میدان در مجاورت مسجد جمعه وجود نداشته است. با این حال می‌توان پنداشت که مسیر اصلی سرتاسری از بازار تا یکی از ورودی‌های مسجد ادامه داشته و پس از آن به راسته اصلی که در گروه خانه‌ها دیده می‌شود می‌پیوسته است. همین راسته اصلی احتمالاً به دو دروازه شهر و نیز به مجموعه ساختمانهای سلطنتی مربوط می‌شده است (شکل ۱۲).

بناهای حفای شده در شهر سیراف وجود بخش‌های گوناگون زندگی شهری و تقسیم کار را در قسمت‌های مختلف شهر نمایان می‌کند. زندگی و تولید در خانواده، صنایع دستی، مبادله در داخل شهر (بازار) و بازرگانی خارجی (بندر) و فعالیت مذهبی هر یک جای خاصی را در شهر دارند اما در عین حال بسیاری از جنبه‌های آن‌ها با یکدیگر در آمیخته است مانند مقصود مذهبی که در همه

فضاهای دنیوی شهر بصورت مسجد کوچک نمودار است.

پایداری مکان

آثار پیش از اسلام حفاری شده در سیراف عبارتند از مجموعه‌ای قلعه مانند با حجره‌های چسبیده به آن که به تشخیص گروه حفاران در دوره ساسانی بندری معتبر بوده است. مسجد جمعه سیراف درست در همین مکان و بر روی بقایای قلعه مزبور برپا شده است اما در ساختمان آن از هیچ‌یک از پایه‌ها و یا دیوارهای قلعه استفاده نکرده‌اند. بطوریکه حفاری نشان می‌دهد مسجد بکلی به سمت دیگری ساخته شده است. نمونه‌های دیگری نیز در ایران مشاهده می‌شود مبنی بر اینکه مکان مذهبی اسلامی بدون آنکه پیرو وجوه ساختمانی و یا نحوه عمل بنای دوره پیشین باشد بر روی بقایای آن برپا شده است. در سیراف نیز بندر و ساختمانهای مربوط به آن در دوره اسلامی به انتهای غربی شهر انتقال یافت که همان مجموعه بنای‌های نظامی، کاروانسرا و حمامی است که در کنار ساحل قرار گرفته و بدیوار شهر متصل است، در حالیکه از مکان ساخته شده ساسانی بعنوان مسجد جمعه استفاده شد.

مفهوم شهر

اگر بتوان بنیاد نمادی شهر سیراف را بیک محور دوتائی از تقابل‌ها^{۴۴} خلاصه کرد، اولین این تقابل‌ها بدون تردید درون بسته و خودمانی^{۴۵}، و بیرون مبهم و غریبه^{۴۶} خواهد بود. بهمین ترتیب نیز

بنا از غیر بنا و شهر از بیرون شهر مطلقاً جداست.

بطوریکه از طرز قرار گرفتن بناها در کنار ساحل دستگیر می‌شود، شهر با آن که در مجاورت مستقیم دریاست بکلی پشت به آن و بی‌اعتنا به منظره باز دریا ساخته شده است. بهمین ترتیب نیز فضاهای عمومی شهر فاقد منظره بازنده و عاری از نشانه‌های غنی معماری‌اند در حالیکه فضاهای بسته درونی (عمومی یا خصوصی) منظوم و متشکل‌اند. در حقیقت باید گفت که عنصرهای نمادی در قالب نظام معینی در شهر وجود دارند اما بار معنای آن‌ها بیشتر بسمت درون متوجه است.

با بررسی تحول شهر در قرن‌های یازدهم و دوازدهم درمی‌یابیم که فقدان قلمرو عمومی^{۴۷} در فضاهای بیرونی شهر موجب پیدایش شکل‌های معماری خاصی شده‌است زیرا با گسترش جامعه و تمایزات و زیربوم‌های آن نشانه‌های معماری گوناگونی که بازتاب این تمایزاتند در بعد سوم جای باز کردند. به این ترتیب آنچه را که در شهر غربی از راه مشاهده نقشه شهر فهمیده می‌شود در اینجا تنها با بررسی مکانی (توپولوژیک) می‌توان باز شناخت.

23 - Parahygmatic Structure.

24 - Pair of oppositions.

25 - Enclosure.

26 - Exclosure.

27 - Public realm.